

تحلیل محتوای سخنرانی اوپاما از حیث امنیت پژوهی

خرداد 8، 1393

سخنرانی باراک اوپاما در دانشکده نظامی "وست پوینت" حاوی * تهدیدهای از جنس رئالیستی و لیبرالیستی است و نوع رویکرد امنیتی دولت او نیز تلفیقی از رویکرد رئالیستی و لیبرالیستی به تهدیدات امنیتی علیه این کشور را نشان می دهد.

مطالعات امنیت پژوهی در روابط بین الملل متناسب با تغییر و تحولات صورت گرفته در نظام بین الملل دچار دگردیسی و تغییراتی شده است و نقاط عطفی نیز برای آن مشخص و معین شده است.

یکی از نقاط عطف برشمرده برای مطالعات امنیت پژوهی "جنگ سرد" و "حادثه یازده سپتامبر" است. در واقع برخی معتقد هستند که حادثه 11 سپتامبر واکنشی به تحولات دوران جنگ سرد بوده است.

اما این تحولات از منظر امنیت پژوهی چه بوده که واکنشی در مقیاس 11 سپتامبر را به همراه داشته است.

جنگ سرد از منظر امنیت پژوهی دوران "امنیت دولتی" و "امنیت نظامی" است. به این معنا که مرجع امنیت "دولت" تعریف می شد و موضوع امنیت "نظامی". در سایه این رویکرد مسلط به مباحث امنیتی، مرجع امنیت گروهها و افراد داخل یک کشور که در حاشیه بودند و یا مسائل بین المللی دیگر که ارتباط مستقیمی با دولت پیدا نمی کردند و احیانا در آن زمان تهدیدی برای state نبودند در حاشیه قرار داشتند و حتی نادیده گرفته می شدند.

در طول دوران جنگ سرد آنچه اهمیت داشت امنیت دو بلوک شرق و غرب و دولتهای وابسته به آنها بود. حتی تهدیدات داخلی کشورها داخل این دو بلوک از سوی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی اگر متعلق به بلوک خود بود که قابل اغماض و اگر متعلق به رقیب بود که بسیار خطر جدی تلقی می شد. به طوریکه آمریکایی ها معتقد بودند که "دوستان دموکرات تر هستند".

یعنی اگر کشوری دوست ما (آمریکا) باشد دیگر سنخ حکومتش مهم نیست. این چنین رویکردی به مباحث امنیتی از طریق تعریف رئالیستها از

امنیت قابل تحلیل است. رئالیستها معتقد هستند که امنیت موضوعی نظامی و دولت نیز هدف مرجع امنیت است.

لذا عوامل تهدیدکننده آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد از جنس تهدیدات رئالیستی است. اما توجه صرف و اکید به تهدیدات رئالیستی و حضور آمریکا در مناطق مختلف از جمله در خلیج فارس و سایر مناطق مختلف دنیا به همراه سنخ نظامهای برخی کشورهای این مناطق نشان داد که رویکرد رئالیستی به امنیت و تهدیدات امنیتی برای کشوری که داعیه دار رهبری جهان است امکان حل مشکلات امنیتی را ندارد.

بر این اساس است که طرح خاورمیانه بزرگ در سال 2004 از سوی آمریکا مطرح می شود و مباحث مورد علاقه لیبرالها از جمله سنخ نظامهای حاکم در کشورها و تروریسم به عنوان تهدیدات امنیتی مطرح می شود.

اوباما در سخنرانی خود در دانشکده نظامی "وست پوینت" خاطر نشان می کند که گسترش تروریسم، تحرکات روسیه در جمهوری های سابق اتحاد جماهیر شوروی و رشد اقتصادی و نظامی چین تهدیدات پیش روی آمریکا هستند.

در این میان تأکید بر تهدیدات روسیه و چین با رویکرد رئالیستها بهتر قابل تحلیل است. اگرچه در خصوص چین در سخنرانی او صحبت از "رشد اقتصادی" نیز می شود که از منظر موضوع با موضوع نظامی فرق دارد ولی می توان آنرا در راستای تهدیدات رئالیستها به حساب آورد. چرا که این تهدید اقتصادی در مورد چین قابل ترجمه به تهدید نظامی است.

اوباما در جایی که می خواهد راه حلی برای چالشهای کنونی کشور متبوع و جهان کنونی ارائه دهد می گوید: "تمامی مشکلات جهان راه حل نظامی ندارد." این گزاره به این معناست که برخی مشکلات هستند که راه حل نظامی دارند. یعنی راه حل ارائه شده راه حلی است که رئالیستها آنرا مطرح می کنند. و البته مسائلی نیز هستند که رویکرد رئالیستی جوابگوی آن نیست.

اما اوباما و دولت آمریکا به خوبی متوجه شده اند که راه حل نظامی "راه حل" مشکلات و مسائل امنیتی نیست. از اینرو اوباما در این سخنرانی با بیان اینکه نیروی نظامی آمریکا نباید تنها راه و حتی اولین راه حل مشکلات باشد تصریح می کند: شاید ما بهترین چکش را داشته باشیم اما هر مشکلی میخ نیست که آنرا با چکش بکوبیم.

در واقع درسی که آمریکا از دخالت‌های نظامی سال‌های اخیر در عراق و افغانستان گرفته این است که حل مشکل افغانستان و عراق حمله نظامی و راهکار نظامی نبوده و نیست و آنچه در افغانستان تهدید است وجود فقر، نبود آموزش مناسب، وجود مدارس دینی و ایدئولوژیک و غیره است. از اینرو حضور نظامی ارتش این کشور در عراق و افغانستان نتوانست راه حلی برای تروریسم باشد.

بر همین اساس اوباما در این سخنرانی تصریح می‌کند: پاسخهای آسان درباره بحران سوریه وجود ندارد و راهکار نظامی نمی‌تواند به پایان بحران منجر شود.

سخنرانی اوباما از حیث نوع رهبری جهانی این کشور و تغییر در آن نیز جالب توجه است هر چند این موضوع جدیدی نیست که توسط وی مطرح می‌شود. رویکرد یکجانبه گرایانه جورج بوش هزینه‌های زیادی را متوجه این کشور کرد و سبب واگرایی میان آمریکا و حامیان بین‌المللی‌اش در مقاطعی شد. از اینرو رویکرد اوباما رویکردی چندجانبه‌گرایانه است و به دنبال ائتلاف و همکاری با سایر متحدان برای فائق آمدن بر مشکلات بین‌المللی است. چرا که هم هزینه آمریکا کم شود و هم متحدان نرنجند.

در مجموع با وجود عناصر و مؤلفه‌های رئالیستها و لیبرالها در نگاه امنیتی اوباما باید تأکید کرد که نقش مؤلفه‌های رئالیستی در رویکرد امنیتی دولت وی بیش از نقش رویکرد لیبرالی است.

خبرگزاری مهر